

منشأ می‌یابد. آن‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، یکی از اقسام توحید، توحید در تشریح است؛ به این معنا که حق تشریح و قانون‌گذاری تنها از آن خداوند است و او بر اموال و نفوس بشر حاکم است.^(۱) تجلی این امر در زندگی بشر و پیاده شدن این اراده‌ی الهی در حیات مخلوقات انسانی، نیازمند حلقه‌ی وصلی است که هدایت الهی را ابلاغ و اجرا کرده و اوامر او را در زندگانی سیاسی اجتماعی بشر پیاده کند. از همین روست که خداوند برای هدایت بشر و تحقق حاکمیت الهی، پیامبرانی به سوی مردم فرستاد تا دین خدا و حاکمیت او را بر بشر عرضه کنند. این هدایت بشر توسط پیامبران و امامان، جنبه‌ی الزام و اجبار برای مردم ندارد، زیرا اراده‌ی الهی همان‌طور که اشاره شد، این‌گونه قرار نگرفته است که دین خدا را از طریق اجبار و تحمیل و زور پیاده کند. هدایت انجام می‌گیرد و گروهی از مردم، با پذیرش دعوت ایشان، حاکمیت الهی را می‌پذیرند و گروهی دیگر کفر می‌ورزند.^(۲)

مجرای حاکمیت الهی ایمان مردم است. حاکمیت الهی در صورتی اجرایی می‌شود که مردم هدایت الهی و رسالت پیامبران و امامان را بپذیرند. پذیرش حاکمیت الهی از سوی مردم سبب می‌شود تا ایشان به جایگاهی دست یابند که خلیفه‌ی خداوند روی زمین شوند. انسانی که با بندگی خدا به مقام خلیفه‌ی الهی می‌رسد و توانایی حمل رسالت الهی را می‌یابد، محقق‌کننده‌ی رسالت انبیا می‌شود و به مقام امامت و رهبری جامعه می‌رسد و در این راستا به‌عنوان امام جامعه، وظیفه‌ی دولت‌سازی پیدا می‌کند، تا از این طریق بتواند رسالت انبیا را عملیاتی کند. این دولت باید تلاش کند تا به چند هدف عمده از جمله نظم، تدبیر بهتر زندگی، تحقق عدالت، تهذیب نفس و همچنین کمال و قرب الهی دست یابد؛ یعنی دولتی که از طریق اعمال ولایت انسان کامل تحقق پیدا می‌کند، در نظر دارد و در تلاش است تا همه‌ی جنبه‌های زندگی بشر را پوشش دهد و در ابعاد مختلف دنیوی و اخروی، انسان‌ها را به کمال برساند.

جامعه‌ای که این ولایت الهی را می‌پذیرد و با امام و ولی هم‌نظر و هم‌مقصد می‌شود، به امت تبدیل می‌شود. جامعه‌ای که چنین خصوصیتی نداشته باشد، قوم و

۱. جعفر سبحانی تبریزی، محاضرات فی الالهیات، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، ج یازدهم، ۱۴۲۸ق.

۲. إِنَّمَا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا. ما راه را به او نشان دادیم یا سپاسگزار است - و هدایت می‌شود- و یا کفران می‌کند - و نمی‌پذیرد- (انسان: ۳).

ملت است و با پذیرش هدایت ولی الهی، به امت بودن رشد پیدا می‌کند و آنچنان‌که در قسمت‌های بعد به تفصیل بیان خواهد شد، با تبدیل شدن به امت، متعلق تکالیف متعدد الهی شده و در اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی شریک و سهیم می‌شود. منظور از مردمی که قرار است در اداره‌ی حکومت اسلامی و پیشبرد جامعه‌ی اسلامی مشارکت کنند، اعضای امت اسلامی است که در خصوصیات هم‌چون ایمان به خدا و دین اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشترک‌اند و در پی آن‌اند که با عمل به اسلام، خود و جامعه را به کمال برسانند. درحالی‌که شهروندان جامعه‌ی مدنی لزوماً تمامی این خصوصیات را ندارند و این تفاوت خود ممکن است تفاوت‌های گسترده‌ای را در پی داشته باشد و به چارچوب‌های متفاوتی برای اعمال مشارکت مردم و اداره‌ی جامعه با اتکا بر آرای ایشان منجر شود.

لزوم اداره‌ی امور کشور با اتکا بر آرای عمومی بدین معناست که در همه‌ی اموری که حکومت اسلامی برای استمرار به آن نیاز دارد، مردم نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری‌ها و اتخاذ تصمیمات توسط حاکم اسلامی خواهند داشت. البته بدیهی است که در حکومت اسلامی، در جایی که حکم موضوعی از سوی شارع مقدس، از پیش تعیین شده باشد، نظر هیچ‌کس جایگاهی ندارد و همه مکلف به تبعیت از دستورهای شارع هستند و کسانی که به غیر آنچه از سوی خداوند نازل شده است حکم کنند، در قرآن کریم با صفاتی همچون کفر، فسق و ظلم معرفی شده‌اند.^(۱) از این رو در اموری که شارع مقدس امری را مقرر داشته است، آرای عمومی جایگاهی نخواهد داشت. اما در سایر امور که از اقتضائات حکومت و مسائل مستحدثه‌ی آن به حساب می‌آیند و نیاز به تصمیم‌گیری در مراحل مختلف و جایگاه‌های متعدد احساس می‌شود^(۲)، براساس ادله‌ی عقلی و نقلی مردم در اداره و تصمیم‌گیری

۱. >... وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ>. (مانده: ۴۴).

>... وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ>. (مانده: ۴۵).

>... وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ>. (مانده: ۴۷).

و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند، کافر و ظالم و فاسق‌اند.

۲. شهید صدر این حوزه‌ها را منطقه‌الفرغ خوانده‌اند و تصمیم‌گیری در آن‌ها را از صلاحیت‌های اولی الامر و دولت اسلامی معرفی می‌کنند. سید محمدباقر صدر، اقتصادنا (موسوعه الشهید الصدر، ج ۳)، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهید الصدر، قم، ج اول، ۱۴۲۴ق، ص ۴۴۳.

مشارکت خواهند داشت و همان‌طور که اصل ۶ قانون اساسی مقرر داشته است، اداره‌ی امور عمومی باید با اتکا بر آرای عمومی صورت گیرد. برای اثبات و تبیین این ادعا، به ادله‌ی مختلفی می‌توان تمسک جست که در ادامه به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.^(۱)

گفتار اول: مشارکت فعال از باب وجوب مقدمه‌ی واجب

یکی از اهداف اصلی حکومت، برپایی عدل اسلامی و اجرای سایر دستورهای شارع مقدس است.^(۲) از نظر عقلی، اقامه‌ی عدل اجتماعی و همچنین پیاده کردن احکام اسلامی در جامعه متوقف بر خواست و اراده‌ی مردم است و تا زمانی که مردم در این زمینه همراهی نکنند و بر اجرایی شدن عدل و سایر آموزه‌های دینی در جامعه نظر نداشته باشند، برقراری عدل اجتماعی و تحقق اهداف حکومت اسلامی مقدور نخواهد بود.^(۳) و حکومت اسلامی چه در مرحله‌ی تشکیل و چه در مرحله‌ی اداره و استمرار با مشکل مواجه خواهد شد.

به عبارت دیگر حکومت اسلامی برای انجام دادن فعالیت‌های خود و تلاش در راستای رسیدن به آرمان‌هایش نیازمند قدرت است و این قدرت از نظر عقلی و شرعی باید از اراده‌ی مردم سرچشمه گیرد تا مفید واقع شود. این الزام از اینجا نشأت می‌گیرد که همان‌گونه که بیان شد، در اسلام نظریه‌ی قهر و غلبه جایگاهی ندارد و اقتدار حکومت باید از طریق اختیار و انتخاب مردم حاصل شود.^(۴) البته این موضوع به معنای نبود هیچ‌گونه محدودیت و قید بر رأی مردم نیست که حاکم اسلامی مکلف به تبعیت از هر گونه خواسته‌ی مردم باشد که در مباحث آتی به این موضوع پرداخته خواهد شد.

از این رو از آن‌جا که لازمه‌ی تحقق اهداف حکومت اسلامی، مشارکت فعال مردم،

۱. البته حتی در صورت نبود این دلایل نیز، به حکم عقل، ضرورت مشارکت مردم در اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی قابل اثبات است.

۲. روح‌الله موسوی خمینی، کتاب البیع، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۲۳.

۳. محسن اراکی، جایگاه مردم در نظام حکومتی اسلام، رواق اندیشه، ش ۶، اسفند ۱۳۸۰، ص ۶.

۴. در این زمینه در گفتار اول مبحث اول همین فصل مباحثی ارائه شده است.

چه در مرحله‌ی تشکیل حکومت اسلامی و چه در اداره‌ی امور است، بر مبنای قاعده‌ی «وجوب مقدمه‌ی واجب»، مردم باید در اداره‌ی امور کشور مشارکت داشته باشند و اداره‌ی امور جامعه‌ی اسلامی متکی به رأی و نظر آنها باشد. براساس قاعده‌ی مقدمه‌ی واجب (که به آن مقدمه‌ی وجود هم گفته می‌شود)، آنچه وجود امر واجب، متوقف بر وجود آن است، الزاماً باید تحصیل گردد و از باب مقدمه بودن، واجب می‌شود. همچون وضو که به‌خودی‌خود واجب نیست، اما از آن‌جا که وجود نماز متوقف بر وجود وضوست، بر مبنای این قاعده، وضو برای نماز واجب می‌شود.^(۱) در موضوع بحث، از آن‌جا که در مباحث قبل اثبات شد که بدون وجود مردم و زمینه‌سازی ایشان، حکومت اسلامی به‌عنوان امر واجب استقرار نخواهد یافت و استمرار پیدا نخواهد کرد، وجود حکومت اسلامی متوقف بر همکاری و همراهی و مشارکت مردم است، در نتیجه از باب قاعده‌ی مقدمه‌ی واجب، مشارکت مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی، واجب می‌شود.

گفتار دوم: متعلق تکلیف واقع شدن امت در کنار امامت

از نگاه حقوقدانان یک دولت - ملت^(۲) از چند رکن اصلی تشکیل می‌شود: گروه انسانی (جمعیت)، سرزمین و قدرت سیاسی.^(۳) این عناصر مهم و غیرقابل اغماض اند، اما عناصر سازنده‌ی حکومت اسلامی با دولت ملت متفاوت است. حکومت آرمانی اسلامی از چهار عنصر اصلی «امامت»، «امت»، «شریعت» و «حاکمیت الله» تشکیل می‌شود. امت همان‌گونه که در مبحث قبل بیان شد، به جامعه‌ای اشاره دارد که با امام و ولی الهی هم‌مقصد و هم‌هدف و هماهنگ می‌شود. مردم جامعه‌ای که مؤمن به ارزش‌های ولی الهی و امام جامعه می‌شود، از قوم بودن به امت بودن رشد و ارتقا می‌یابند. مردم در جامعه‌ی اسلامی در صورت پذیرش ولایت ولی الله، با تبدیل شدن به امت، به مقامی ارتقا می‌یابند که به‌عنوان یک هویت واحد و مشخص و قابل اعتنا، مخاطب دستورهای شارع قرار می‌گیرند. ایجاد چنین

۱. تحسین بدری، معجم مفردات اصول الفقه المقارن، تهران: المشرق للثقافة والنشر، ۱۴۲۸ق، ص ۲۸۸.

2. Nation State

۳. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک: ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان، چ دوازدهم، ۱۳۸۳، صص ۱۹۳ - ۲۲۳.

شخصیت و هویت مستقلی برای امت، سبب می‌شود که بسیاری از تکالیفی که شارع قصد انشای آن‌ها را دارد، خطاب به امت اعلام شود و از آن پس، آنچه در جامعه موضوعیت می‌یابد، ماهیت مستقل «امت» باشد. از این رو دستورهای مختلفی درباره‌ی امور جامعه‌ی اسلامی به امت تکلیف می‌شود و این مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ی هماهنگ و هم‌هدف، مسئول بسیاری از امور شناخته می‌شود. در زمینه‌ی مسئولیت اجرای وظایف مربوط به حکومت اسلامی، قرآن کریم به جای خطاب قرار دادن حاکم اسلامی به تنهایی، بسیاری از احکام مربوطه را خطاب به امت بیان داشته و امت اسلامی را مسئول اجرای آن‌ها کرده است. از این رو می‌توان گفت اداره‌ی امور اجتماعی مسلمانان بر عهده‌ی خود آنان قرار گرفته است و از مجموع آیات اجتماعی و اوامر مربوط به اقامه‌ی دین اعم از اجرای عبادات و اعمال قصاص^(۱) و حدود^(۲) در قرآن کریم این‌گونه برداشت می‌شود که اداره‌ی حکومت در بسیاری از موارد برای تحقق اجرای دین به خود مردم واگذار شده است.^(۳)

۱. در قرآن کریم حکم قصاص خطاب به همه‌ی مسلمانان تشریح شده است: *حَبَا أُيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْإِصْطِصَاعُ فِي الْقَتْلِ الْخُرِّ بِالْخُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى*. ای اهل ایمان! در مورد کشته‌شدگان بر شما قصاص مقرر و لازم شده: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در برابر زن (بقره: ۱۷۸).

۲. در حکم اجرای حد نیز هم چون قصاص، امت اسلامی مخاطب دستور قرآن واقع شده‌اند. برای مثال در حکم حد سرقت این‌گونه بیان شده است: *حَوَّ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ*. و دست مرد و زن دزد را به کیفر کار زشتی که مرتکب شده‌اند به‌عنوان مجازاتی از سوی خدا قطع کنید و خدا توانای شکست‌ناپذیر است (مائده: ۳۸). یا در مورد حد مجازات زنا، به‌صورت صریح خطاب به مؤمنان این حکم وارد شده است و پس از اعلام حکم بیان می‌شود که چنانچه به خدا و روز قیامت ایمان دارید، نباید دلسوزی نمایید که صریحاً ایمان مخاطبان عام آیه را مورد اشاره قرار می‌دهد: *الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَيْسَ لَهُمَا عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ*. به زن زناکار و مرد زناکار صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، نباید شما را در [اجرای] دین خدا درباره آن دو نفر دلسوزی و مهربانی بگیرد، و باید گروهی از مؤمنان، شاهد مجازات آن دو نفر باشند. (نور: ۲) این رویه در مورد حد قذف نیز وجود دارد (نور: ۴).

۳. البته این مسئله بدین معنا نیست که تک تک اعضای امت، حقی بر اجرای قصاص یا حدود دارند و می‌توانند بدون اذن ولی و بدون فرایند حکومت اسلامی، دست به این اقدام بزنند؛ بلکه بدین معناست که اجرای حدود الهی تکلیفی بر دوش همه‌ی امت اسلامی است که بایستی بر انجام آن اهتمام داشته باشند و از آن‌جا که اجرای حدود بر عهده‌ی امام معصوم علیه السلام یا نماینده‌ی او و در واقع حاکم اسلامی است (حلی

به عبارت دیگر همین نکته که در قرآن کریم، اجرایی کردن بخشی‌هایی از دین، تکلیف امت واقع شده، گویای این است که امت به‌عنوان هویتی مستقل، مسئولیتی در اجرای دین در جامعه و در نتیجه اداره‌ی حکومت اسلامی به‌منزله‌ی نهاد اجرای احکام دین به‌عهده دارد.

گفتار سوم: مسئولیت مسلمانان نسبت به یکدیگر در امور اجتماعی

مسئولیت همگانی مسلمانان در جامعه‌ی اسلامی یکی دیگر از مبانی حضور و نقش‌آفرینی مردم در اداره‌ی امور جامعه‌ی اسلامی است. مسئولیت در لغت عبارت است از عهده‌دار شدن وظایف و اعمال و همچنین سرپرستی.^(۱) مسئولیت همگانی مسلمانان نسبت به یکدیگر در امور اجتماعی به معنای عهده‌دار شدن وظایفی نسبت به دیگر مسلمانان در امور اجتماعی از سوی هر مسلمان است.

افراد در طول زندگی خود مسئولیت‌هایی را در سه سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی دارند. در این بین مسئولیت اجتماعی به‌عنوان انسانی‌ترین نوع مسئولیت انسان، در اصل فطری عدالت ریشه دارد و انسان مسلمان به موجب مشاهده‌ی نیرو و قوت و قدرت در خود، شکر نعمت‌هایی مانند آگاهی و توانایی و دارایی و سلامت و هدایت را در اجرای مسئولیت خود در رفع فقرها، جهالت‌ها، گمراهی‌ها، انحرافات و گرسنگی‌های سایر بندگان خدا می‌داند.^(۲)

این مسئولیت مؤمنان نسبت به سرنوشت و رفتار یکدیگر تا جایی در نظر شارع مهم دانسته شده که در کلام قرآن، مؤمنان بر هم دارای ولایت دانسته شده‌اند و با اشاره به مسئولیت همگانی، مؤمنان، ولی و سرپرست یکدیگر قلمداد شده‌اند.^(۳)

حسن بن یوسف، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیه قم: مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۴۲، امت اسلامی باید مقدمات استقرار و استمرار حکومت اسلامی را فراهم کند تا این حدود توسط حاکم اسلامی اجرایی شود.

۱. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، راه رشد، ج اول، ۱۳۸۹، ص ۹۳۷.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه یادداشت‌های استاد مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۷۹، ج ۷، صص ۷۰ - ۸۷.

۳. >وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْتُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ <. و مردان و زنان باایمان، سرپرست یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وا می‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را بر پا می‌کنند و

براساس این آیه، در امت اسلامی، مؤمنان از آنجا که ولی و سرپرست یکدیگرند، نسبت به سرنوشت یکدیگر مسئولیت دارند و از این رو باید تمام تلاش خود را در راستای سعادت دیگر مؤمنان نیز صرف کنند، چراکه همه‌ی مردم حافظ و سرپرست یکدیگر به حساب می‌آیند.^(۱) آنچه در سایر روایات در زمینه‌ی ضرورت اهتمام مسلمانان به امور یکدیگر^(۲) و توجه به امور مسلمانان و تمثیل آنان در قالب یک بدن^(۳) ذکر شده، همه مؤید و تقویت‌کننده‌ی مسئولیت همگانی همه‌ی مسلمانان نسبت به یکدیگر است.

براساس قاعده‌ی مسئولیت همگانی که لزوم اهتمام مؤمنان به اصلاح جامعه و تأمین نیازهای معیشتی آنان را همپای اهتمام به تکالیف عبادی و فردی امر می‌کند^(۴)، مشارکت مردم در امور حکومت اسلامی و سهیم و شریک شدن آنان در امور جامعه و پذیرش مسئولیت‌های ناشی از آن در راستای تحقق وظیفه‌ی مسئولیت اجتماعی مسلمانان نسبت به یکدیگر تکلیف شرعی محسوب می‌شود.

از آنجا که فعالیت صحیح و موفقیت حکومت اسلامی، بستر و عاملی برای تحقق اصلاح جامعه و تأمین رفاه اعضای جامعه‌ی اسلامی است، مردم به دلیل مسئولیتی که

زکات می‌دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به‌زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است (توبه: ۷۲).

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ. به‌راستی که همه شما حافظ و سرپرستید و همه شما جوابگوی مردم زیردست خود هستید. (شهید ثانی زین‌العابدین بن علی، منیة المرید، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۸۱).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. هر کسی که شب را صبح نماید و به امور مسلمین اهتمام نداشته باشد، از مسلمانان نیست (محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۳).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى. مؤمنین در مهربانی و عاطفه نسبت به هم مانند یک بدن واحد هستند که اگر یک عضو به درد آمد تمام بدن با او همراهی می‌کند و اگر یک عضو تب کند تمام بدن تب می‌کند و تمام بدن بی‌خوابی دارد (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۵۰).

۴. محسن قرائتی، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ یازدهم، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۱۰۴.

نسبت به سرنوشت دیگر اعضای امت اسلامی دارند، باید در اداره‌ی امور جامعه‌ی اسلامی مشارکت کنند تا تکلیف خود نسبت به امور دیگران را از این طریق انجام دهند.

گفتار چهارم: خیرخواهی و نصیحت امام مسلمانان

از آن‌جا که مردم و حاکم اسلامی به‌صورت توأم ارکان حکومت اسلامی‌اند و نسبت میان ایشان، نسبت حاکم و محکوم و ارباب و رعیت نیست، خود را بخشی از حکومت اسلامی و از زمینه‌سازان و اعضای آن می‌شمارند. ایجاد این حس در میان مردم سبب می‌شود از سر دلسوزی نسبت به دیگر اعضای جامعه اعم از سایر مردم یا حاکمان رفتار کنند. این دلسوزی در قالب نصیحت و خیرخواهی برای امام مسلمانان خود را نشان خواهد داد.

نصیحت را اراده‌ی خیر برای کسی که نصیحت خطاب به او صورت می‌گیرد تعریف کرده‌اند^(۱) و در مفهوم خیرخواهی خالصانه برای حکومت اسلامی در منابع دینی و سیره‌ی معصومان علیهم‌السلام مورد عنایت قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بیان حقوق متقابل حکومت و مردم،^(۲) یکی از حقوق حکومت اسلامی بر مردم را نصیحت خالصانه و خیرخواهی نسبت به امام جامعه معرفی می‌کند.^(۳) کثرت روایات در این مورد سبب شده علمای شیعه در کتاب‌های فقه روایی خود بابتی را با عنوان «النصیحة لائمة المسلمین» اختصاص دهند و به نقل روایات در این زمینه و بحث درباره‌ی آن بپردازند.^(۴)

۱. محمود عبدالرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقیهة، قاهره: دارالفضیله، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۲۱.

۲. أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ ... وَ أَمَا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلَوْفَاءُ بِالْبَيْعَةِ، وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ. وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُّكُمْ. ای مردم مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی ... و اما حقی که من به گردن شما دارم: باید در بیعت وفادار و در رویاری و پشت سر نیکخواه من باشید و چون فرا خوانمتان لیبک گویند و چون فرمان می‌دهم فرمان من برید (نهج‌البلاغه: خطبه‌ی ۳۴).

۳. وَ أَمَا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلَوْفَاءُ بِالْبَيْعَةِ، وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ. وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُّكُمْ. و اما حقی که من بر شما دارم وفا به بیعتی است که با من نموده‌اید، و خیرخواهی نسبت به من در حضور و غیاب، و اجابت دعوتم به وقتی که شما را بخوانم، و اطاعت از من چون دستوری صادر کنم (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۳۴).

۴. از جمله می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:

نکته‌ای که در این خصوص گاه مورد اشتباه قرار می‌گیرد، به تفاوت این مفهوم در زبان فارسی و عربی بر می‌گردد. بعضی از عنوان «النصیحة لائمة المسلمین» برداشت می‌کردند که مردم در جامعه‌ی اسلامی باید به نصیحت و انتقاد و تذکر نسبت به حاکم اسلامی بپردازند. هرچند ممکن است این امر ذیل مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در رابطه‌ی میان امام و امت مطرح شود، موضوع نصیحت بیشتر به خیرخواهی و دلسوزی امت نسبت به امام جامعه‌ی مسلمانان اشاره دارد. خیرخواهی مردم نسبت به امام در هر امر و موضوعی به فراخور حال، مصداق می‌یابد و مهم‌ترین مصداق آن را می‌توان در مشارکت مردم در اداره‌ی امور عمومی دانست. مردم اگر خیرخواه جامعه و حاکم آن باشند، از هیچ تلاشی برای تحقق اهداف حکومت و انجام وظایف حاکم دریغ نمی‌کنند و خیرخواهانه در اداره‌ی امور جامعه در هر جا که نیاز باشد، کمک می‌کنند؛ در همه حال مطیع دستورهای امام هستند و خیرخواهانه در هر امری که کمک به جامعه و رهبر تلقی شود، پیش‌قدم می‌شوند. امام جامعه نیز اگر امت را خیرخواه و ناصح بیابد، آن‌ها را در اداره‌ی جامعه شریک خواهد کرد و امور کشور را با اتکا بر آنان پیش خواهد برد. در نتیجه نصیحت و خیرخواهی نسبت به کارگزاران حکومت اسلامی از طرفی یکی از حقوق شهروندان در نظام اسلامی به‌شمار می‌آید و از طرف دیگر به‌عنوان وظیفه‌ی شرعی بر امت واجب است و مبنایی برای مشارکت در اداره‌ی امور جامعه‌ی اسلامی به‌حساب می‌آید.^(۱) با این اوصاف و به فرض وجوب چنین امری برای مسلمانان، مشارکت فعال مردم در اداره‌ی امور یکی از مصادیق بارز و عمده‌ی نصیحت و خیرخواهی برای رهبر جامعه‌ی اسلامی به‌شمار خواهد آمد و می‌توان آن را از مهم‌ترین راه‌های عمل به این وظیفه دانست.

محمدرضا بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۴۰۳ - ۴۰۵، بَابُ مَا أَمَرَ النَّبِيُّ ﷺ بِالنَّصِيحَةِ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَاللُّزُومِ لِجَمَاعَتِهِمْ وَمَنْ هُمْ

محمدباقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چ دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۴، صص ۳۲۳ - ۳۳۳.

۱. محمدتقی مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چ چهاردهم، زمستان ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۹.

گفتار پنجم: اطلاق و عموم بعضی از دستورهای قرآن

بعضی از دستورهایی که خداوند در قرآن کریم خطاب به مؤمنان ذکر کرده است، اگرچه می‌تواند در مسائل فردی و شخصی زندگی هم استفاده شود، اطلاق و عموم آن‌ها سبب می‌شود که در مسائل کلان مربوط به حکومت اسلامی هم بتوان از این دستورها استفاده کرد.

بند اول: تعاون در امور خیر

یکی از دستورهای مهم قرآن، دستور به تعاون در امور خیر است.^(۱) تعاون در لغت «به یکدیگر یاری کردن»^(۲) و «همکاری و همیاری»^(۳) معنا شده است. در این آیه به‌عنوان اساس سنت اسلامی، مسلمانان به اجتماع و کمک به یکدیگر در ایمان به خدا و عمل صالح بر مبنای تقوا توصیه و از همکاری با هم در انجام گناه و هر گونه تجاوز نهی شده‌اند.^(۴) این توصیه و تکلیف عام سبب می‌شود تا دامنه‌ی موضوعاتی که تعاون در آن‌ها جریان پیدا می‌کند بسیار وسیع تعریف شود و از کوچک‌ترین موضوعات شخصی و خانوادگی تا مهم‌ترین مسائل و کارهای خیر در حیطه‌ی کلان حکومتی را در برگیرد. به‌عبارت دیگر مسلمانان مکلف‌اند تا حد امکان هم در کارهای خیر مربوط به زندگی فردی آحاد امت اسلامی، و هم در کارهای بزرگی که جنبه‌ی حکومتی دارد و از مصادیق برّ و تقوا به حساب می‌آید، تعاون و کمک کنند.

بی‌شک از آن‌جا که اداره‌ی موفقیت‌آمیز حکومت اسلامی زمینه و بستر بسیاری از کارهای نیک را فراهم خواهد کرد، خود امر اداره‌ی صحیح و موفق یکی از مصادیق خیر به حساب می‌آید. از این‌رو لزوم مشارکت مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی و از

۱. >... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است (مانده: ۲).

۲. علی اکبر دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ج اول، ص ۷۵۰.

۳. حسین‌بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی، ج دوم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۷۶.

۴. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج پنجم، ۱۳۷۴، ج ۵، صص ۲۶۵ و ۲۶۶.

سوی دیگر زمینه‌سازی امام جامعه‌ی اسلامی برای تحقق چنین تعاونی و استفاده از کمک‌های مردم، از وظایفی است که براساس توصیه به تعاون در قرآن کریم، قابل برداشت و استناد است.

بند دوم: توصیه به حق و صبر

یکی دیگر از توصیه‌های مهم قرآن کریم، سفارش به حق و صبر است.^(۱) این سفارش غیرمستقیم و در این قالب بیان شده است که همه‌ی افراد به‌جز کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند و سفارش به حق و صبر می‌کنند، در خسران خواهند بود. توصیه به حق و صبر، خود از مصادیق عمل صالح به‌شمار می‌روند، اما از باب ذکر خاص بعد از عام، به‌صورت خاص به این دو مورد اشاره شده است. توأسی به‌حق عنوانی وسیع‌تر از عنوان امر به معروف و نهی از منکر است، چون امر به معروف و نهی از منکر شامل اعتقادات و مطلق ترغیب و تشویق بر عمل صالح نمی‌شود، ولی توأسی بر حق، علاوه بر امر به معروف، عناوین مذکور را نیز شامل می‌شود.^(۲)

توصیه و سفارش به حق نیز به‌صورت مطلق و عام در قرآن بیان شده است و چنانکه بیان شد، مصادیق مختلفی می‌تواند داشته باشد. در امر حکومت، مشارکت مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی با بیان نظر و ارائه‌ی رأی خود، می‌تواند از مصادیق این امر قرار گیرد. مردم با انتخاب گروه خاصی از نمایندگان خود یا رأی خاصی در همه‌پرسی، کارگزاران حکومت اسلامی را به سمت و سوی خاصی سوق می‌دهند که از نظر آن‌ها اداره‌ی حکومت اسلامی از آن طریق بیشتر به موفقیت و تحقق اهداف نزدیک می‌شود.

بند سوم: امر به مشورت و وجوب دوسویه‌ی آن

چنانکه به‌تفصیل در بخش آتی این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد، مشورت

۱. حَوِّ الْعَصْرِ. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ. سوگند به عصر. بی‌تردید انسان در زیان‌کاری بزرگی است. مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده‌اند (عصر).

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۱۲.

یکی از ارکان زندگی مؤمنان و به طور خاص از عناصر برجسته‌ی قوام بخش حکومت اسلامی است.

در قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صراحت امر به مشورت شده‌اند.^(۱) با توجه به قراین و شواهد مختلف از توصیه‌ی مذکور در این آیه خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌توان برداشت کرد که مشورت در امور، بر جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و حاکمان امت اسلامی یعنی ائمه‌ی اطهار و فقهای دارای ولایت نیز تکلیف شده است و نفس مشورت یکی از وظایف حاکم اسلامی تلقی می‌شود.^(۲) از سوی دیگر مشورت به‌عنوان یکی از خصوصیات مؤمنان در قرآن کریم ذکر شده است.^(۳) مؤمنان کارهایشان را جز در مواردی که شارع مقدس، حکم مشخصی نازل کرده است - با مشورت پیش می‌برند و برای حل مشکلات و اتخاذ تصمیمات خود، از مشورت بهره می‌گیرند. به این معنا اداری حکومت اسلامی قطعاً از مصادیق این امر قرار می‌گیرد. در اداری امور حکومت اسلامی و پیشبرد مسائل جاری آن در حدودی که شارع مقدس به مردم واگذارده است، مشورت از مهم‌ترین ابزارهای رسیدن به صواب و موجب اتخاذ تصمیماتی با احتمال کمتری از خطا خواهد بود. از سویی حاکم اسلامی بر مبنای دستور قرآن کریم «وَأْمُرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» مکلف به مشورت با مردم و اخذ نظر ایشان است و باید اداری امور را با استفاده از نظرهای مشورت‌دهندگان پیش ببرد؛ همان‌گونه‌که بر این مبنا، همه‌پرسی به‌عنوان یکی از مصادیق اصلی مشورت عمومی، در اصل ۶ قانون اساسی هم پیش‌بینی شده است و از سوی دیگر مردم مکلف‌اند بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ...» در اداری امور خود مشورت کنند و نظرهای مشورتی خود را به کارگزاران حکومت اسلامی برسانند و نمی‌توانند از این

۱. <... فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ>. [ای پیامبر!] از آنان گذشت کن، و برای آنان آموزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد (آل عمران: ۱۵۹).

۲. محمدجواد ارسطو، نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: مؤسسه‌ی بوستان کتاب، ۱۳۸۹، ص ۴۲۲.

۳. حَوَالِدَيْنِ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ>. و [مؤمنین کسانی هستند] که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند و نماز را برپا داشتند و کارشان در میان خودشان بر پایه مشورت است و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند (شوری: ۳۸).

تکلیف سر باز زنند.^(۱) پس با این مبنا مشورت به عنوان یکی از ادله‌ی اساسی، مشارکت مردم در اداره‌ی امور حکومت اسلامی را ضروری می‌سازد و با توجه به تکلیف حاکم اسلامی به مشورت با مردم، نظرهای ایشان را مبنای کلی اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی می‌سازد.

مبحث سوم: سازوکارهای مشارکت مردم در اداره‌ی امور کشور

ادله‌ای که در مبحث قبلی مطرح شد، گویای این بود که اداره‌ی امور کشور براساس مبانی و به استناد ادله‌ی فقهی و کلامی، در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به آرای عمومی اتکا یافته است. اصل ۶ قانون اساسی که بیان‌کننده‌ی این امر به عنوان یکی از اصول کلی قانون اساسی است، علاوه بر بیان لزوم اداره‌ی کشور با اتکا به آرای عمومی، راه‌های اجرایی کردن این موضوع را نیز تصریح کرده است: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد».

بر این مبنا در کشور ما، انتخابات و همه‌پرسی دو مجرا و سازوکار مشارکت مردم در اداره‌ی امور کشور به‌شمار می‌رود. مردم با برگزیدن منتخبان خود به عنوان رئیس‌جمهور یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا اعضای شوراها و ... مشارکت فعال خود را در اداره‌ی امور کشور به نمایش می‌گذارند و این افراد را به نمایندگی از خود، مسئول اداره‌ی امور جامعه‌ی اسلامی تحت نظارت و ولایت ولی امر می‌کنند. نکته‌ی دقیق و قابل تأمل در این زمینه این است که قانون‌گذاران اساسی کشورمان به‌درستی مجلس خبرگان رهبری را در کنار ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی ذکر نکرده‌اند، زیرا نمی‌توان مجلس خبرگان رهبری را مصداق «و نظایر این‌ها» در اصل دانست، چون مجلس خبرگان از نهادهای اداره‌ی امور کشور به‌شمار نمی‌آید، بلکه نهادی کارشناسی به‌منظور استفاده از روش عقلایی رجوع به اهل خبره است. از سوی دیگر در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و

۱. محمدمهدی شمس‌الدین، فی الاجتماع السياسي الاسلامی، بیروت: الموسسه الدولیه للدراسات و النشر، ۱۴۱۲ق، ص ۱۰۸.